

یادداشت

زوال الگوی ملت سازی



اسلام ذوالقدرپور

کارشناس مسائل بین الملل

سیاستگذاران سنتی برای موفقیت سیاستگذاری ی خود که بر بقای حکمرانی، افزایش قلمرو سیاسی و جغرافیایی بنیان می‌شد، نیات و اهداف خود را به آرمان‌هایی مقدس و بت‌واره‌هایی قابل تبدیل می‌کردند. چنین روندی از سیاستگذاری عمومی که بر سال‌ها تفکر، تأمل و بلکه خیال‌پردازی شخصی یا گروهی سیاستگذاران یا حکمران استوار است، به ظهور و تثبیت انگاره‌های مقدس در اذهان شهروندان و حاکمان منجر شده و الگوی ملت سازی را دستخوش تغییرات و چالش‌های بی شمار می‌کند. این الگوی ملت سازی که با انگاره‌های اسطوره‌ای همراه است، برای ادامه حیات خویش به تقدس دست ساخته‌ها یا آرمان‌ها متصل شده و آنها را به بت‌هایی نبرومند تبدیل می‌کنند. بت‌هایی که مورد پرستش شهروندان و حکمرانی قرار گرفته است، سرانجام برای تضمین بقای حکمرانی شکسته می‌شوند! شکستن بت‌ها، انگاره‌ها یا آرمان‌ها در سیاستگذاری، بخشی از بازنویسی سیاست‌ها محسوب می‌شود که به اشراف بر شرایط مکانی و زمان نیاز دارد. جلوه‌هایی از فرآیند تراشیدن، پرستیدن و شکستن بت‌ها در سیاستگذاری خارجی را می‌توان در برسازی آرمان‌های مقدس مانند: عدم تعهد، سازمان ملل متحد، فائو، یونسکو در سازمان‌های بین‌المللی و انگاره‌های مقدس ملی مانند دشمن‌سازی از همسایگان و سپس برقراری روابط با همان دشمن و... مشاهده کرد. وضعیت کنونی جهان که مصداقی از وضعیت هابزی «جنگ همه علیه همه» است، در موارد زیر قابل توصیف هستند: نخست؛ رویکرد غربی بت‌سازی و شکستن انگاره دولت یهود؛ غرب به خصوص اروپا در تراشیدن، پرستیدن و شکستن بت‌ها و سیاست‌های راهبردی خود، پیشینه‌ای پر بار دارد. انواع بت‌هایی که در قالب سیاست‌ها و سیاستگذاری‌های عمومی به‌ویژه سیاستگذاری خارجی در غرب یا کل جهان تراشیده شده و با جهانی‌سازی این بت‌ها، جهان به هژمونی غرب تن داده است. بت‌هایی به نام لیبرالیسم، کمونیسم، سوسیالیسم، حقوق بشر، آزادی بیان، سازمان ملل متحد و... همگی در غرب به‌ویژه اروپای قرن ۱۹ و ۲۰ شکل یافته‌است و بخشی از سیاستگذاری راهبردی و الگوی حکمرانی غرب و بلکه مدیریت و کنترل سایر حوزه‌های جغرافیایی (مانند تدوین اندیشه کمونیسم در اروپا، آلمان و ظهور عملیاتی آن در روسیه و چین) بودند. یکی از این بت‌هایی که طی بیش از ۷ دهه اخیر مورد تأکید غرب قرار داشته، هولوکاست و پیامد آن یعنی ظهور و تقویت دولت صهیونیسم در فلسطین بوده است. غرب برای حضور و مداخله در جنوب غرب آسیا، شمال آفریقا و مشروعیت بخشی به این مداخلات خود که بیشتر بر اهداف و نیات استکباری و استعماری استوار هستند، وابستگی شدیدی به اسرائیل قدرتمند دارد تا بتواند به پنهان حمایت از اسرائیل یا ادعای دروغین حمایت از قوم یهود، در منطقه حضور مستمر داشته و هژمون جهانی را به سود خود حفظ کند. تراشیدن اسرائیل به عنوان دولت یهود در فلسطین، به گونه‌ای است که تمام مداخلات و انگاره‌های ژئوپلیتیک غرب به‌خصوص ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا بر محور حمایت یا تضمین بقای اسرائیل بنا شده است. اسطوره بازآفرینی اسرائیل در افکار سیاستگذاران ارشد و حاکمان غرب دارای چنان ارزشی است که حتی از حفظ بقای حاکمیت برخی دولت‌های غربی نیز مهم‌تر نشان می‌دهد؛ دوم؛ رویکرد غربی از آرمان قدس تا سازش و سکوت؛ همان گونه که ساختن دولت اسرائیل از سوی غرب به یک سیاستگذاری راهبردی بدل شده است، آرمان آزادی فلسطین و قدس در جهان اسلام و دنیای اسلام، چندین دهه به عنوان یک سیاست و هدف مقدس در اولویت سیاستگذاری دولت‌های اسلامی و عربی قرار داشت. آرمان آزادی قدس که از سوی دولت‌های عربی به عنوان یک اصل سیاستگذاری راهبردی مورد توجه و تبلیغ قرار گرفته و افکار عمومی دنیای عرب نیز از آزادی فلسطین یک انگاره مقدس ساخته و به پرستش این انگاره پرداخته بود. فرآیند عادی سازی روابط و سازش دولت‌های عربی با اسرائیل که وارد فضای همجوشی عربستان و اسرائیل نیز شده بود، پیامدهای خود را در جنگ کنونی غزه به خوب نمایان ساخته است. سکوت بسیاری از دولت‌های عرب و سران آنها در مقابل کشتار شهروندان فلسطینی و حتی موضع‌گیری برخی دولت‌های عرب علیه حمله اولیه حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر و... را می‌توان از جمله پیامدهای سازش اعراب و اسرائیل بر جنگ غزه ۲۰۲۳ قلمداد کرد. سکوت و عدم اراده دولت‌های عربی برای واکنش به جنایت ارتش اسرائیل در فلسطین به خصوص غزه را می‌توان پایان انگاره آزادی فلسطین و آرمان قدس دانست که مصداقی شکستن آرمان فلسطین و قدس در سیاستگذاری خارجی عربی و اسلامی است. سیاستگذاران و حکمرانان برای تضمین بقای خود و حکمرانی، ابزارها، تاکتیک‌ها و سیاست‌های بی‌شماری دارند که بر اساس شرایط زمانی و مکانی از آنها بهره می‌برند.

خبر

محمدعلی وکیلی:

اراده خالص‌سازها غالب است

بررسی صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات مجلس از سوی هیأت‌های اجرایی انجام شد و تعداد قابل توجهی از نامزدهای هر دو جناح سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب ردصلاحیت شدند. یک نماینده مجلس دهم و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره این موضوع اظهار داشت: من در مرحله مقدماتی برای مرزبندی با براندازان ثبت‌نام کردم و در مرحله اصلی برای مرزبندی با خالص‌سازان ثبت‌نام نکردم. بنابراین من نامزد انتخابات نشده بودم که حالا منتظر تأیید یا ردصلاحیتم باشم اما وقتی به نتایج بررسی صلاحیت‌ها نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اراده خالص‌سازها غالب است. محمدعلی وکیلی ادامه داد: اگر به همین شکلی که اکنون می‌بینیم اراده خالص‌سازها غالب باشد، دایره‌ای گسترده‌تر می‌شود و بسیاری از خودی‌های اصولگرا هم دیگر تحمل نمی‌شوند و غیرخودی محسوب می‌شوند که اکنون نتیجه بررسی صلاحیت‌ها همین شرایط را نشان می‌دهد. این فعال سیاسی همچنین بیان کرد: اگر ردصلاحیت‌های کنونی ناشی از تصمیم یک دستگاه باشد، ممکن است تغییری در آن رخ دهد و مثلاً تعدادی تأییدصلاحیت شوند، اما اگر یک تصمیم راهبردی باشد، بعید است تغییری به وجود آید.



غلامرضا نوری قزلبه در گفت و گو با «آرمان ملی»:

دولت را مسئول اصلی

ردصلاحیت نمایندگان

منتقد می‌دائم

پدر خواننده‌های خالص‌سازان

به دنبال شکل‌گیری مجلسی

انقلابی تر هستند

مخالفت ما با لوائح

جنگالی به مذاق

برخی خوش‌نیا شده

است

اگر به یکی از شمارهای روزنامه

ایران به عنوان ارگان رسمی دولت

در چند ماه پیش مراجعه کنید متوجه

می‌شوید که از پنج نماینده نام برده

شده بود که علیه دولت در مجلس

موضع‌گیری می‌کنند. این در حالی

است که در شرایط کنونی چهار

نماینده از بین این پنج نماینده رد

صلاحیت شده‌اند. این وضعیت

نشان می‌دهد که برای تلافی کردن

انتقادهای این نمایندگان آنها را

در هیات‌های اجرایی مناطق خود

ردصلاحیت کرده است

می‌گوید عده‌ای به دنبال شکل‌گیری مجلسی همسو با دولت هستند. کسانی به دنبال این هستند که همه قوا را به صورت صددرصدی در اختیار داشته باشند تا بتوانند به اهداف خود دست پیدا کنند. در واقع این گروه این پیام را به جامعه مخایره می‌کنند که کسانی که سلیقه متفاوتی دارند لزومی ندارد در انتخابات شرکت کنند و تنها کسانی در انتخابات شرکت کنند که با این تفکر همسو و همراه هستند. این وضعیت نیز کاهش مشارکت را در انتخابات آینده به همراه خواهد داشت. پیام دیگر به نمایندگان مجلس آینده است که اگر آنها نیز علیه طرح‌های آنها قرار بگیرند احتمالاً ردصلاحیت خواهند شد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که استراتژی خالص‌سازان برای انتخابات آینده مشارکت حداقلی مردم در انتخابات است. در واقع خالص‌سازان اهداف خود را در مسیر مشارکت حداقلی مردم دنبال می‌کنند و در چنین شرایطی است که به اهداف خود دست پیدا می‌کنند. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی نشانه‌هایی از جریان خالص‌ساز مشاهده نمی‌شود که به دنبال مشارکت حداکثری در انتخابات باشند، رفتار و اقداماتی که در شرایط کنونی انجام می‌دهند که باعث عصبانیت و رنجش بخشی از جامعه می‌شود به دلیل این است که افراد کمتری در انتخابات مشارکت کنند تا این گروه بتواند به اهداف خود در انتخابات آینده برسد.

با توجه به شرایط موجود به چه میزان می‌توان به

کارآمدی مجلس دوازدهم خوشبین بود؟

با این رویکردی که جریان خالص‌ساز در پیش گرفته به هیچ عنوان نمی‌توان با خوش‌بینی به مجلس آینده نگاه کرد و مجلس آینده به مراتب از مجلس یازدهم ضعیف‌تر خواهد بود. مجلس باید مطالبات مردم را نمایندگی کند و کسانی در آن حضور داشته باشند که نحل‌های مختلف فکری را در جامعه نمایندگی کنند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان نسبت به شکل‌گیری یک مجلس قوی خوشبین بود. با این روندی که خالص‌سازان در پیش گرفته‌اند در آینده شاهد شکل‌گیری یک مجلس خواهیم بود که نه تنها مشکلات مردم را حل نمی‌کند و بلکه مشکلات و چالش‌های جدیدی را نیز به وجود خواهند آورد. من مسئول این ردصلاحیت‌ها را دولت می‌دانم و معتقدم دستور این ردصلاحیت‌ها از مقامات بالاتر صادر شده و گر نه زیر مجموعه دولت ریسک چنین اقداماتی را نمی‌پذیرد. با این وجود من امیدوارم نهادهایی که به صورت جناحی و باندی فکر نمی‌کنند اجازه ندهند خالص‌سازان به اهداف خود دست پیدا کنند و شرایطی را فراهم کنند که مردم بتوانند در انتخابات آینده بهترین افراد را انتخاب کنند.

آرمان ملی – احسان انصاری: غلامرضا نوری قزلبه، رئیس فراکسیون مستقلین ولایبی مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه بستان آباد در استان آذربایجان شرقی است که به تازگی صلاحیتش برای حضور در انتخابات مجلس دوازدهم رد شده است. نوری قزلبه از جمله نمایندگان منتقد دولت است که با طرح‌های جنگالی مجلس یازدهم مانند طرح صیانت و حجاب و عفاف مخالف بود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی دلایل رد صلاحیت نمایندگان منتقد دولت در مجلس و چشم انداز انتخابات مجلس آینده با نوری قزلبه گفت‌وگو کرده است. وی در این زمینه معتقد است: «من مسئول این ردصلاحیت‌ها را دولت می‌دانم و معتقدم دستور این ردصلاحیت‌ها از مقامات بالاتر صادر شده و گر نه زیر مجموعه دولت ریسک چنین اقداماتی را نمی‌پذیرد. با این وجود من امیدوارم نهادهایی که به صورت جناحی و باندی فکر نمی‌کنند اجازه ندهند خالص‌سازان به اهداف خود دست پیدا کنند و شرایطی را فراهم کنند که مردم بتوانند در انتخابات آینده بهترین افراد را انتخاب کنند. در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

این اتفاق برای جایگاه مجلس نیز مناسب نیست. برخی عنوان می‌کنند ممکن است هیأت رئیسه مجلس نیز در این ردصلاحیت‌ها نقش داشته باشد که در این زمینه لازم می‌دانم عنوان کنم براساس قانون هیأت رئیسه مجلس نمی‌تواند در تصمیم هیأت‌های اجرایی دخالت داشته باشد. به همین دلیل بعید به نظر می‌رسد که هیأت رئیسه مجلس با دولت در این زمینه همکاری کرده باشد. هر چند در بحث خالص‌سازی بین مجلس و دولت همپوشانی وجود دارد اما بعید به نظر می‌رسد که هیأت رئیسه مجلس تا به این اندازه در این موضوع دخالت داشته باشد.

شما از مخالفان طرح‌های جنگالی مجلس مانند طرح صیانت و حجاب و عفاف بودید. به چه میزان این مسائل را در ردصلاحیت خود دخیل می‌دانید؟

این احتمال وجود دارد البته هنوز مستنداتی به بنده ارائه نشده و به همین دلیل نمی‌توانم به صورت قطعی در این زمینه اظهارنظر کنم. اگر مستندات و دلایل به صورت روشن به ما ارائه شود می‌توان به صورت دقیق و قطعی صحبت کرد. با این وجود صحبت‌هایی که در این زمینه شنیده شده بیانگر این است که این موضوعات نیز بی‌ربط نبوده است. به نظر می‌رسد مخالفت ما با برخی لواایح و طرح‌ها به مذاق برخی خوش نیامده است. اخیراً نیز یکی از اعضای جبهه پایداری عنوان کرده بود که کسانی که مخالف طرح صیانت و حجاب و عفاف بودند باید رد صلاحیت شوند. این وضعیت نشان می‌دهد که جریان خالص‌سازی با دولت هماهنگ است و رویکردی که توسط خالص‌سازان دنبال می‌شود و هیأت‌های اجرایی که زیر مجموعه دولت به شمار می‌رود در همین راستا حرکت می‌کنند.

آیا قرار است مجلس انقلابی با خالص‌سازی انقلابی‌تر شود؟

پدر خواننده‌های خالص‌سازان عنوان کرده‌اند که قرار است در مجلس آینده نمایندگان انقلابی‌تر در مجلس حضور داشته باشند. این رویکردی است که خالص‌سازان به دنبال آن هستند و تلاش می‌کنند در همین مسیر حرکت کنند. پدر خوانده‌های این جریان نیز کسانی هستند که عنوان می‌کنند این مجلس انقلابی نیست و باید مجلس آینده انقلابی‌تر از این مجلس باشد.

خالص‌سازی با این روند چه پیامی به مردم و انتخابات آینده خواهد داد؟

یکی از پیام‌های چنین رویکردی این است که به مردم

برخی عنوان می‌کنند ممکن است هیأت رئیسه مجلس نیز در این ردصلاحیت‌ها

نقش داشته باشد که در این زمینه لازم می‌دانم عنوان کنم براساس قانون هیأت

رئیسه مجلس نمی‌تواند در تصمیم هیأت‌های اجرایی دخالت داشته باشد. به همین

دلیل بعید به نظر می‌رسد که هیأت رئیسه مجلس با دولت در این زمینه همکاری کرده

باشد. هر چند در بحث خالص‌سازی بین مجلس و دولت همپوشانی وجود دارد اما

بعید به نظر می‌رسد که هیأت رئیسه مجلس تا به این اندازه در این موضوع دخالت

داشته باشد

نگره

آیا روابط تجاری تهران – ریاض

گرم‌تر خواهد شد؟

سید ابراهیم رئیسی با هدف شرکت در اجلاس اضطراری سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی درباره جنگ غزه، روز گذشته به عربستان سفر کرده است. او اولین رئیس‌جمهور ایرانی است که پس از ۱۱ سال به عربستان سفر می‌کند و البته این سفر، پس مذاکرات ایران و عربستان و بهبود روابط سیاسی دو کشور رخ داده است. پیش از این، محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۹۱ برای شرکت در نشست سازمان همکاری اسلامی درباره جنگ سوریه در این کشور حضور یافته و پس از او، حسن روحانی ملاقاتی با مقامات ارشد کشور عربستان نداشته است. اکنون رئیسی مسافر این کشور شده و در ابتدای ورود خود به ریاض، با امیر قطر یعنی شیخ تمیم بن حمد آل ثانی دیدار و گفت‌وگو کرد. بهبود روابط سیاسی ایران و عربستان در دولت جدید، تأثیری بر روابط اقتصادی این دو کشور نیز گذاشته است و به اعتقاد صاحب‌نظران، تداوم این روند می‌تواند تحولی در حجم تجارت میان ایران و عربستان به وجود آورد؛ با این حال برخی معتقدند که تحولات اقتصاد دو کشور در سال‌های گذشته، یعنی دست و پنجه نرم کردن ایران با تحریم‌ها از یک سو و تلاش‌های عربستان برای صنعتی شدن از سوی دیگر می‌تواند شرایط تجارت این دو کشور را در آینده دستخوش تغییر کند.

فراز و فرود روابط ایران و عربستان

در سال‌های گذشته، روابط سیاسی و به دنبال آن روابط اقتصادی ایران و عربستان سعودی فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده است. سال ۱۳۹۴ یکی از تیره‌ترین سال‌های روابط ایران و عربستان بوده است. در دی ماه این سال، شیخ نمر، روحانی مبارز در عربستان اعدام شد و دولت ایران مخالفت و اعتراض خود را نسبت به این موضوع اعلام کرد. چند روز پس از این اتفاق و تنش‌هایی پس از آن رخ داد، عادل الجبیر، وزیر امور خارجه دولت عربستان اعلام کرد که کشورش، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرده و از دیپلمات‌های ایرانی خواست که ظرف ۴۸ ساعت آینده خاک عربستان را ترک کنند. ۷ سال پس از این اتفاقات، با تغییر دولت ایران و روی کار آمدن ابراهیم رئیسی روابط دیپلماتیک ایران و عربستان بار دیگر از سر گرفته شد. در تاریخ ۱۹ اسفند ماه سال گذشته مقامات ایرانی و عربستان در پکن با یکدیگر دیدار کردند و توافق‌نامه‌هایی را به امضا رساندند. در روزهای ابتدایی سال جاری هم، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران با فیصل بن فرحان در پکن دیدار کرد و پس از آن سفارتخانه‌او کشور مجدد گشوده شدند و حالا طبیعی است که با توجه به بهبود روابط سیاسی دو کشور، روابط اقتصادی نیز بهبود یافته است.

صادرات ایران به عربستان افزایش می‌یابد؟

نگاهی به آمارهای جهانی درباره تجارت ایران و عربستان نشان می‌دهد که بیش‌ترین مقدار تجارت ایران و عربستان در سال ۲۰۰۶ و معادل ۸۵۱ میلیون دلار بوده است. هم‌زمان با تغییرات شرایط سیاسی و همچنین اقتصادی این دو کشور، کیفیت و کمیت تجارت خارجی نیز تحت تأثیر قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تجارت خارجی این دو کشور در آخرین سالی که روابط سیاسی و اقتصادی برقرار بود یعنی سال ۲۰۱۵ میلادی به ۲۳۰ میلیون دلار رسیده بود. پس از قطع روابط سیاسی و اقتصادی این دو کشور، حجم تجارت به ۴۰ هزار دلار کاهش یافت. این در حالی است که با آغاز مذاکرات میان ایران و عربستان تجارت میان این دو کشور نیز افزایش یافت. برای مثال در سال ۱۴۰۱، حجم صادرات ایران به عربستان به مبلغ ۱۵ میلیون دلار رسید که نسبت به سال‌های گذشته رشد چشمگیری یافته بود. با توجه به آنکه با آغاز سال جاری قدهای بزرگی در راستای بهبود روابط دیپلماتیک این دو کشور برداشته شد، می‌توان حدس زد که حجم تجارت ایران و عربستان در سال ۱۴۰۲ به میزان پیش از قطع روابط یعنی به بیش از ۳۰۰ میلیون دلار برسد. با این حال برخی از کارشناسان معتقدند که رسیدن به این میزان از تجارت با تردید همراه است. یکی از دلایل این مساله تغییرات ایجاد شده در اقتصاد ایران در سال‌های پس از قطع روابط با عربستان است. یکی از نکات قابل توجه در مورد تجارت این دو کشور نسبت واردات و صادرات این دو کشور است. نگاهی به نسبت صادرات ایران و واردات ایران و عربستان تا پیش از قطع روابط نشان می‌دهد که میزان صادرات ایران به عربستان از واردات آن بیشتر بوده است. به عبارت دیگر تراز تجاری دو کشور در بیشتر سال‌ها به طرف ایران مثبت بوده، یعنی صادرکنندگان ایرانی توانسته‌اند صادرات بیشتری نسبت به واردات عربستان رقم بزنند. این نسبت در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ مشهودتر است. در سال ۱۴۰۱ از ایران ۳۱ هزار تن به ارزش ۷.۱۴ میلیون دلار به عربستان صادرات انجام شده است. در سال ۱۳۹۳ که از سال‌های پایانی تجارت میان دو کشور بوده محصولات آهنی، اسفنجی، شمش از آهن و فولاد غیر مزوج، انواع زعفران در بسته‌بندی‌های ۱۰ تا ۳۰ گرمی مهم‌ترین اقلام صادرات ایران به عربستان بوده است. یکی از نکات قابل توجه آن است که پس از سال ۱۳۹۷ یعنی هم‌زمان با خروج آمریکا از برجام اقتصاد ایران با چالش‌های زیادی مواجه شد. این در حالی است که اقتصاد عربستان در این سال‌ها مسیر معکوسی را طی کرده و قدم در مسیر صنعتی شدن گذاشته است. با وجود آنکه صادرات ایران به عربستان در سال‌های گذشته شامل محصولات پیچیده صنعتی نبوده، با این حال در سال‌های گذشته عربستان کشورهای جایگزینی را برای این محصولات پیدا کرده و به تجارت با آن‌ها پرداخته است. در حال حاضر نیز باید دید که واردات عربستان از ایران مانند گذشته برای این کشور به صرفه است یا خیر؟